



سه نکته درباره انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

محسن امین زاده*

باراک اوباما، نامزد آفریقایی تبار و مسلمان تبار، برغم همه ناباوری‌ها در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به پیروزی چشمگیری دست یافت و ظرف چند هفته آینده کار خود را در کاخ سفید آغاز می‌کند. او که با حمایت بی‌دریغ قدرتمندان حزب دموکرات آمریکا، با شمار تغییر و تحول در جامعه آمریکا و با نوآوری‌های فراوانی در روش تبلیغ، به این پیروزی مهم دست یافت، عملاً با این پیروزی اولین گام بلند تغییر را در حوزه‌هایی مانند بازسازی چهره دولت آمریکا، بهبود رابطه میان حکومت و نسل جوان و نژادگرایی در آمریکا برداشت. صرف نظر از همه جنبه‌های مهم این تحول برای جامعه آمریکا، به نظر می‌رسد بررسی سه نکته از این تحول برای جامعه ایران نیز دارای اهمیت بسیاری هست.

۱. پیروزی باراک اوباما، موقعیت نظام دموکراتیک آمریکا را بهبود بخشیده و نشانه ظرفیت تغییرپذیری در این نظام است. این پیروزی و جاهت دولت آمریکا را در میان مردم آمریکا و در سطح بین‌المللی ارتقا داده است.

صرف نظر از تحولات درونی آمریکا، این پیروزی در یک نگاه کلان به منزله توان یک نظام قدرتمند برای اصلاح و تنظیم حرکت خود در مسیر مناسب است. این تحول به خوبی نشان می‌دهد که چگونه یک نظام دموکراتیک قادر است به بازسازی و اصلاح درونی بپردازد و در یک شرایط مشکل با تغییر بنیادین مسیر حرکت خود را بازسازی کند. این پیروزی نه فقط مرهمی است بر زخم‌های مزمن ناشی از تمییزهای متنوع درون جامعه آمریکا، بلکه می‌تواند پادزهری باشد برای کاهش خسارات سیاست‌های استعمارگرانه نژادگرا و ماجراجویانه آمریکا در دهه‌های اخیر که آثار سوء آن در جسم و جان کشورهای تأثیرپذیر از نظامی‌گری‌ها و ماجراجویی‌های این ابرقدرت در سطح جهان بر جای مانده است.

در سال‌های اخیر و بخصوص در دهه گذشته، پدیده‌هایی مخرب با تأثیرات درونی و بیرونی بیش از همیشه به وجاهت و جذب‌های این جامعه لطمه وارد آورده است. در درون آمریکا نارضایتی افسار

پایین جامعه و گسترش فقر نسبی در این کشور، نابسامانی‌های اجتماعی بخصوص در میان نسل جوان و وضعیت اقلیت‌های نژادی، همه مسائلی بوده است که در سال‌های اخیر بروز و ظهوری بیش از گذشته داشته و باعث ایجاد نارضایتی بسیاری در میان مردم این کشور شده و حتی باعث بروز نشانه‌های کم سابقه و گاه بی‌سابقه‌ای از کاهش اعتماد مردم نسبت به نظام سیاسی آمریکا شده است.

در بیرون جامعه آمریکا، یعنی در سطح بین‌المللی نیز این تحول می‌تواند به مهم‌ترین عامل کاهش خسارات ناشی از عملکردهای غلط آمریکا در سطح بین‌المللی بدل شود. پس از فروپاشی اتحاد شوروی و بخصوص در دهه اخیر، وجهه دولت آمریکا در افکار عمومی جهان بسیار لطمه دیده است. ابرقدرتی که حداقل در جوامع متحد خود به خاطر ساختار دموکراتیک و توسعه و تکنولوژی پیشرفته‌اش، همیشه از احترام و منزلت بالایی برخوردار بوده، در دهه‌های اخیر در زمره منفی‌ترین قدرت‌های عالم قرار گرفته است و ارزیابی‌های گوناگون توسط مراجع مختلف همه حکایت از آن داشته که بخصوص در سال‌های اخیر، وجهه آمریکا بیش از هر زمان دیگر در سطح بین‌المللی دچار آسیب شده و مردم جهان، از جمله مردم کشورهای دوست آمریکا، نگاه بدبین‌تر و منفی‌تری نسبت به رهبران آمریکا پیدا کرده‌اند. در جهان اسلام نیز آمریکا منفی‌تر و بدنام‌تر از همیشه جلوه کرده است. سیاست‌های نظامی‌گرایانه و ماجراجویانه نوحفاظله‌کاران در این زمینه بسیار تأثیرگذار بوده و موقعیت منزلی آمریکا در جهان را به پایین‌ترین حد خود تنزل داده است.

انتخاب باراک اوباما فضای درونی آمریکا را به شدت تحت تأثیر قرار داد؛ اکنون طبقات و اقشار محروم‌تر این کشور به شدت از این تغییر خشنود و به آینده امیدوارترند. در سطح بین‌المللی، این تحول یک گام بلند در جهت اصلاح چهره آمریکا در سطح جهان محسوب می‌شود. نظرسنجی‌های بین‌المللی نشان می‌دهند مردم جهان با فاصله زیاد اوباما را بر هر نامزد دیگری در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا ترجیح داده‌اند و از پیروزی وی در انتخابات ریاست جمهوری خشنود شده‌اند.

معنای استقبال مردم جهان این است که اوباما حتی پیش از آن که رئیس‌جمهور آمریکا شود، توانسته بخش قابل توجهی از افکار مردم جهان را به سوی خود جلب کند و مردم جهان باور کرده‌اند که او شخصیتی متفاوت و پدیده‌ای جنای از رهبران قبلی آمریکاست. موضع به ظاهر مثبت او نسبت به رنگین‌پوستان جهان، نسبت به مسلمانان جهان و به طور کلی نسبت به جهان در حال توسعه و تعلق او و خانواده‌اش به همین دنیای در حال توسعه رنگین‌پوستان و مسلمانان، توانسته است افکار عمومی جهان را به نفع ایالات متحده آمریکا تغییر دهد تا جایی که ایالات متحده آمریکا بدون پرداخت هزینه‌ای، یک تغییر بنیادین در روایت جهان خارج از مرزهایش نسبت به خود ایجاد کرده است. با چنین وضعیتی می‌توان گفت پیروزی اوباما در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا باعث شده است:

۱.۱. احساس بسیار منفی موجود در میان ملت‌ها نسبت به رهبران آمریکا، بخصوص در کشورهای در حال توسعه و در میان مسلمانان، حداقل به صورت موقت تا حدودی کاهش پیدا کند. زمان زیادی لازم است و آمریکا در دوره ریاست جمهوری او باید اشتباهات بسیاری مرتکب شود تا مردم دیگر کشورها، او را نیز چون سایر روسای جمهور آمریکا به عنوان مظهر یک ابرقدرت مداخله‌گر و نظامی‌گرا مورد حمله قرار دهند.

۲.۱. رئیس‌جمهور جدید آمریکا، سازگار با مشی حزبی تلاش دارد مشروعیت و مقبولیت کشورش را نه از طریق نظامی‌گری، بلکه از طریق نمایش دموکراسی و رفتار بین‌المللی متفاوتی ارائه دهد. به هر میزان که او موفق شود فاصله دولتش از نظامی‌گری‌های دولت بوش را افزایش دهد، محبوبیت داخلی و خارجی بیشتری به دست خواهد آورد. این مساله باعث افزایش احترام رئیس‌جمهور آمریکا در سطح جهان شده و در صورت عملکرد بهتر این رئیس‌جمهور، احتمال بازگشت بخشی از مقبولیت از دست رفته آمریکا وجود دارد.

۳.۱. کاهش ذهنیت منفی مردم جهان نسبت به رئیس‌جمهور آمریکا، می‌تواند باعث نوعی مشروعیت برای این کشور و رهبرانش برای ادامه سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا در کشورهای دیگر جهان باشد.

۴.۱. بعد از یازده سپتامبر، جرج بوش، رئیس جمهور آمریکا توانست با بهره گیری از احساسات مردم آمریکا بالاترین مشروعیت را برای یک عملیات برون مرزی در افکار عمومی آمریکا به دست آورد. او این مشروعیت را صرف نظامی گری و جهان گستری نمود و تدریجاً مقبولیت عمومی خود را از دست داد و به بدترین موقعیت نزد افکار عمومی آمریکا رسید. اکنون رئیس جمهور جدید، این بار نه به خاطر عملکرد تهدیدکننده دیگران، بلکه به خاطر موفقیت خودش در رقابت انتخاباتی، بار دیگر مشروعیت و مقبولیت بسیار بالایی برای اقدامات مختلف در میان مردم آمریکا به دست آورده است او می تواند این مشروعیت را در راه درست و یا به شیوه جمهوری خواهان در جهت دخالت در کشورهای دیگر به کار گیرد.

۵.۱. رئیس جمهور آمریکا با محبوبیت بین المللی بیشتری که نسبت به رئیس جمهور قبلی دارد، شانس بیشتری نیز برای به دست آوردن حمایت های بین المللی و اجماع جهانی برای پیشرفت اهداف ملی اش خواهد داشت. این وضعیت مقبولیت بیشتری برای همکاری دیگران با ایالات متحده فراهم می کند.

۱.۶. اوپاما درباره برنامه های جدید کمک توسعه ای به کشورهای در حال توسعه بخصوص کشورهای فقیر آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا سخن گفته است. در این رابطه رقم ۵۰ میلیارد دلار کمک سالیانه جدید نیز مطرح شده است. این سیاست نیز در کنار شخصیت اوپاما، به افزایش محبوبیت وی در آفریقا و در میان کشورهای در حال توسعه و بازسازی چهره منفی آمریکا در این کشورها کمک خواهد کرد.

اگر واکنش افراطیون مخالف آمریکا را نیز بررسی کنیم، ابعاد این تفاوت اساسی به شکل دیگری روشن می شود. مدت هاست رادیکال ها در سراسر جهان، نگرانی خود را از پیروزی اوپاما اعلام می کنند. یکی از بارزترین اظهارنظرها متعلق به ایمن الظواهری، معاون رهبری القاعده است. او که نگران دشوارتر شدن فعالیت های تروریستی علیه آمریکا و کاهش مقبولیت این جنایتکاری ها در میان طرفداران القاعده است با این استدلال پیروزی مک کین را به نفع مردم جهان دانست که: اوپاما با خیل در مسائل کشورهای جهان دخالت خواهد کرد در حالی که رهبری چون بوش با شیوه عملش، هم چهره واقعی آمریکا را آشکارتر می کند و هم شرایط بهتری برای عملیات مجاهدین علیه دخالت های آمریکا فراهم می کند. در صورت تشدید بحران در روابط ایران با جامعه بین المللی، به هر میزان که مشکلات آمریکا در افکار عمومی جهان کاهش یابد و مشروعیت این حکومت در سطح جهان افزایش یابد و آسیب پذیری در مقابل فشارهای آمریکا افزایش خواهد یافت.

۲.۴. برغم برخی شباهت ها میان انتخابات ریاست جمهوری در ایران و آمریکا، انتخابات ریاست جمهوری

آمریکا نشان می دهد که مهم ترین دلیل فاصله زیاد میان دموکراسی در آمریکا و دموکراسی در ایران، وجود نهادهای سیاسی قدرتمند، بویژه احزاب قدرتمند و وجود رفتار دموکراتیک نهادینه در آمریکا است. آمریکا در انتخابات اخیر، بار دیگر دموکراسی خود را به نمایش گذاشت و توسعه ارتباطات این امکان را به وجود آورد که جهانیان این انتخابات را به صورت یک شوی پر بیننده در سطح جهان تماشا کنند. مردم جهان گام به گام با مردم آمریکا مراحل مختلف انتخابات ریاست جمهوری این کشور را دنبال کردند و گاه با مردم آمریکا خوشحال و گاه افسرده شدند. در مرور مراحل مختلف این انتخابات، گاهی به نظر می رسد که این انتخابات شباهت هایی هم به انتخابات ریاست جمهوری در ایران دارد و زمانی دیگر فاصله دو ساختار آن چنان عمیق دیده می شد که رسیدن به چنین استانداردهایی برای انتخابات ایران دشوار تصور می شد. اگر انتخابات ایران به رقابت قطبی میان آقای احمدی نژاد و آقای خاتمی بدل شود، انتظار می رود به توجه برانگیزترین انتخابات جهان پس از انتخابات آمریکا بدل شود؛ اما برغم این ظرفیت نیز فاصله بسیار زیادی میان دو انتخابات وجود دارد. علت چیست؟

به صورت واقعی، می توان به دو شباهت میان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و انتخابات ریاست جمهوری در ایران اشاره کرد:

۱.۲. در هر دو کشور مانند سایر کشورهای دارای حکومت های با ساختار ریاستی، رئیس جمهور با رای مستقیم مردم انتخاب می شوند. این ویژگی در هر جایی که انتخابات به صورت آزاد دموکراتیک و قطبی برگزار شود، می تواند فضایی پوپولیستی را بر انتخابات حاکم کند و نهایتاً ویژگی نامزد های ریاست جمهوری بیش از هر چیز برای مردم تعیین کننده شود. در این شکل از انتخابات، همه چیز از جمله شیوه سخن گفتن و تعامل نامزدها با مردم، احساسات و عواطف دوست داشتنی بودن یا دوست داشتنی شدن نامزد ریاست جمهوری و برداشت مردم از سلامت و توانایی نامزد ریاست جمهوری، یا بالعمد شهرت منفی داشتن و یا منفور شدن رقیب و مسائلی از این دست و البته در جای خود، روش های تبلیغات انتخاباتی، تأثیری بسیار زیاد و گاه بسیار بیشتر از برنامه های اعلام شده نامزدهای ریاست جمهوری در تصمیم گیری مردم دارد.

۲.۲. در رقابت واقعی، هر دو انتخابات به شکل قطبی برگزار می شود. در انتخابات آمریکا دو حزب بسیار قدرتمند سایرین را از میدان به در کرده اند و عملاً رقابت با خود را برای دیگران ناممکن ساخته اند. در این نظام ابتدا، تصاد قابل توجهی نامزد ریاست جمهوری در درون دو حزب رقابت خود را آغاز می کنند و نهایتاً دو نفر به عنوان نامزدهای دو حزب دمکرات و جمهوری خواه در مقابل یکدیگر به رقابت می پردازند.

در ایران نیز اگر در مرحله اول نامزدها متعدد باشند و نامزد شاخصی نباشد که بیش از نیمی از آراء را کسب کند نهایتاً در مرحله دوم، تنها دو نفر بر سر بیش از نیمی از آراء رقابت می کنند و عملاً انتخابات یا در همان مرحله اول و یا در مرحله دوم قطبی می شود. با وجود این شباهت ها، تفاوت های بسیار شاخصی میان دو انتخابات وجود دارد که آنان را کاملاً از یکدیگر متمایز می کند. تفاوت هایی که اعتماد مردم نسبت به نهاد انتخابات در آمریکا را به حد اکثر رسانده و جایگاه دموکراسی در آمریکا را بالاتر از ایران قرار می دهد.

۳.۲. در آمریکا اطمینان نسبت به نتیجه انتخابات بسیار بالاست. هر نتیجه ای که در انتخابات به دست آید هیچ کس از نخبگان یا احاد جامعه تصور نمی کنند ممکن است تغییری در انتخابات صورت گرفته باشد؛ رای یکی به نام دیگری خوانده شده باشد و یا در شمارش رای مردم اشتباه و یا سو منیتی در کار باشد. حتی نتیجه انتخابات ۵/۵٪ در برابر ۴۹/۵٪ در انتخابات دوره گذشته آمریکا به رسمیت شناخته شد و رئیس جمهوری بر سر کار آمد که تنها یک درصد بیش از نامزد رقیبش رای مردم را کسب کرده بود. این وضعیت با انتخابات ایران که متأسفانه مردم احتمال وقوع جعل و تقلب جریان های اقتدارگرا در انتخابات را جدی می دانند و بخصوص در سال های اخیر، دائماً نگرانی نسبت به دخالت های سازمان یافته اقتدارگرایان در انتخابات افزایش یافته متفاوت است.

۴.۲. با فرض بروز نتیجه ای بسیار نزدیک و رقابتی تنگاتنگ در انتخابات، ساختار قضاوت کننده درباره انتخابات حرف آخر را می زند و جامعه بدون آن که تصور کند ممکن است اعمال نظری از سوی بخشی از حاکمیت برای پیروزی یک نامزد صورت گرفته باشد، به نتیجه این قضاوت احترام می گذارد. علت اصلی آن است که پیش از مردم، برای نامزد رقیب و حزب بازنده نیز هیچ تردیدی ایجاد نمی شود. تعهد اخلاقی و قانونی همه نسبت به انجام سلامت انتخابات در آمریکا باور کردنی است و هیچ محمل و عنر و بهانه ای به هیچ کس اجازه فساد و جعل در انتخابات را نمی دهد. در ایران باور آن که اگر یک نامزد ریاست جمهوری در یک انتخابات سالم و تنگاتنگ مثلاً ۲ یا ۳ درصد بیشتر از رقیب اقتدارگرای خود رای بیاورد، اقتدارگرایان نتیجه را به نفع خود تغییر ندهند، سخت است. انجام تقلب و فساد از سوی افرادی در میان اقتدارگرایان که خود را متعهد و قائل به تعهدات مذهبی و انقلابی نیز می دانند، حکایت از وجود باوری مشروع برای انجام چنین فساداتی در انتخابات دارد که نگرانی را بیشتر می کند.

۵.۲. هیچ مرجع حکومتی یا دولتی نقش نظارتی و کنترلی و تعیین صلاحیت ندارد. همه چیز در ساختارهای نهادینه احزاب خلاصه می شود و هیچ کس در جامعه تصور نمی کند که ممکن است اعمال نظر بخشی از حاکمیت سر نوشت انتخابات را در

مسیری خلاف رای آنان تغییر دهد. احزاب رقیب و البته همراه آنان همه نهادهای مدنی، با قدرت و تسلط کامل، فرآیند انتخابات و عملکرد رقبای انتخاباتی را نظارت و کنترل می کنند، ولی هیچ بخشی از حاکمیت قادر نیست راه را بر روی جناح رقیب خود سد کند و در رای مردم به نفع خود دخل و تصرف نماید. این نظارت‌های مدنی اطمینان‌ساز، با نظارت در انتخابات ایران که نقش نهادهای نظارت‌کننده اقتدارگرا را در سرنوشت انتخابات، غالباً تعیین‌کننده‌تر از همه طرف‌های دیگر ماجرا از جمله رای مردم می‌کند متفاوت است.

۶.۲. بر برنده انتخابات حتی اگر تنها با یک درصد رای بیشتر در انتخابات پیروز شده باشد صاحب قدرت است و هیچ جناح بازنده، با هر میزان قدرتی که داشته باشد، قادر نیست در جایگاه حقوقی و شان و منزلت و اختیارات رئیس جمهور برنده دخل و تصرف یا ایجاد تردید کند. هیچ کس درصدد تخریب برنده انتخابات بر نمی‌آید و هیچ عاملی نمی‌تواند قدرت برنده انتخابات را تضعیف کند. برنده انتخابات چهار سال با اقتدار کشور را مدیریت می‌کند و همه ساختار کشور در چارچوب‌های قانونی او را همراهی می‌کنند. با چنین وضعیتی هیچ رئیس جمهور برنده‌ای در آمریکا نمی‌تواند مدعی شود که به خاطر سنگ‌اندازی‌های رقبای بازنده‌اش نتوانسته است به تعهداتش عمل کند.

۷.۲. در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به رغم همه تلاش‌های اوپاما اکثریت سفیدپوستان به رقیب اوپاما رای دادند و اوپاما تنها در میان جوانان سفید نسل جنید آمریکا اکثریت را به دست آورد. در پس این رای سفیدپوستان طبعاً دغدغه‌های نژادی و حساسیت‌های برتری طلبانه و مسائلی از این دست وجود دارد. در عین حال به نظر نمی‌رسد هیچ کس نسبت به قدرت اوپاما به عنوان رئیس جمهوری همه آمریکاییان از جمله اکثریت سفیدپوست تردیدی داشته باشد و تصور کند که ممکن است اکثریت سفیدپوست به جان او بیفتند و هر روز برایش بحرانی درست کنند. یعنی جنبه‌های معنایی و ارزشی نیز مانع آن نمی‌شود که برنده انتخابات با هر گرایشی که دارد واقعاً رئیس جمهور قدرتمند آمریکا شود این وضعیت با ایران که یک اقلیت بیست درصدی، تمام تلاش خود را برای تخریب یک رئیس جمهوری دارای حمایت ۸۰٪ مردم و جلوگیری از موفقیت او دنبال می‌کنند متفاوت است.

۸.۲. در انتخابات آمریکا مجزّه‌ای در کار نیست و هیچ کس ناشناخته و تجربه نشده، قادر به حضور و پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری نیست. مسلماً در انتخاب اوپامای سیاه‌پوست مسلمان‌زاده هم مجزّه‌ای در کار نبوده است. رهبران قدرتمند دموکراتی مانند کندی‌ها، از اولین حامیان اوپاما بودند و بعداً تمامی قدرتمندان دموکرات یکی پس از

دیگری حامی او شدند. او طی سال‌ها مراحل مختلفی را در حزب دموکرات گذراند و از فیلترهای زیادی عبور کرد تا به درجه‌ای از صلاحیت رسید که نامزد ریاست جمهوری آمریکا شود. همه توانایی‌های اجرایی، مدیریتی و شخصیتی او در فرآیندهای درون حزب دموکرات کنترل شد و قضاوت رهبران حزب حکایت از آن داشت که او صلاحیت به دست گرفتن سکان مدیریت حکومت آمریکا را دارد. عده‌ای این فرآیند کنترلی را نقص ساختار لیبرال دموکراسی می‌دانند. اگر در نقد ساختار دموکراسی در آمریکا دخالت قدرتمندان و نخبگان پیش از رای‌گیری از مردم مسأله‌آفرین تلقی می‌شود، اما تاثیر اساسی چنین فرآیندی انباشت تجربیات، مهارت‌ها و صلاحیت‌ها و ممانعت از به قدرت رسیدن فردی ناشایست در فرآیند یک انتخابات پوپولیستی است. در این فرآیند افراد در درون احزاب تربیت می‌شوند، فرصت تجربه پیدا می‌کنند و توسط دیگران آموخته و ارزیابی می‌شوند و نهایتاً نیز نامزد ریاست جمهوری به عنوان فردی از یک مجموعه خردمند و نخبه به اداره کشور می‌پردازد. نقش تعیین‌کننده احزاب در تربیت نخبگان سیاسی، ارزیابی توانایی و صلاحیت‌های آنان در صحنه واقعی فعالیت و رقابت درون احزاب انباشت تجربیات و تخصص‌ها و منزلت‌ها، رصد دائمی فرآیندها و نقد واقعی روندها در کشور، طراحی و برنامه‌ریزی برای رفع ضعف‌ها و تدبیر برای آینده تحقق کار جمعی و ایجاد زمینه‌اندازه کشور به صورت جمعی، همه از مزیت‌های ارزشمند ساختارهای حزبی است که باعث می‌شود نگرانی زیادی نسبت به آینده کشور حتی در صورت پیروزی یک رئیس‌جمهور کم‌تجربه یا کمتر شناخته شده برای مردم، به وجود نیاید. بلوری که منجر به افزایش شدید اعتماد مردم نسبت به دولت‌ها و تصمیمات آنان نیز می‌شود. در ایران، ضعف ساختاری احزاب و مبارزه اقتدارگرایان با شکل‌گیری نهادهای ساختارهای حزبی در کشور، باعث بروز نقصان‌های اساسی به دلیل خلاء کارکردهای مثبت و ارزشمند ساختارهای حزبی شده است.

تفاوت‌های اساسی و بنیادین بالاست که دموکراسی را در آمریکا پایدار، مستحکم و قابل اعتماد و انکا و دموکراسی در ایران را متزلزل، ناپایدار و آسیب‌پذیر نگاه می‌دارد. این تفاوت‌ها ناشی از نهادینه شدن رفتار متعهدانه دموکراتیک در مسئولان، نخبگان، جامعه و نهادهای دموکراتیک به خصوص احزاب در آمریکاست. در آمریکا رقابت میان نخبگان به رسمیت شناخته می‌شود، رقابت میان آنان واقعی و جدی است و نتیجه آن را هیچ کس در پس پرده تغییر نمی‌دهد، نهادهای دموکراتیک جایگاه معتبر خود را به عنوان واسطه میان جامعه مدنی و حکومت دارند و بر حفظ آن یا فشاری می‌کنند و به ناپندگی

از جامعه از فرآیند انتخابات پاسداری می‌کنند. با وجود آن شباهت‌ها، تا زمانی که این تفاوت‌ها در کار باشد و بخصوص رفتار نهادینه و نهادهای دموکراتیک در ایران شکل نگیرند و پایدار نشوند و تا زمانی که نخبگان رقیب در درون حاکمیت و بیرون آن، رقابت واقعی، سالم، بی‌خدشه و بدون جعل، تقلب و دست‌اندازی در نتیجه انتخابات را به رسمیت نشناسند و تا زمانی که حتی یک نفر از دست‌اندرکاران انتخابات، فساد در انتخابات را به بهانه توجیه مادی یا معنوی باور نداشته باشد همواره می‌توان نگران دموکراسی در ایران بود.

۳. به نظر می‌رسد ریاست جمهوری باراک اوپاما، باعث تغییرات اساسی در روابط ایران و آمریکا خواهد شد. این تحول می‌تواند متناسب با سیاست‌های ماجراجویانه و یا خردمندانه ایران، برای ایران تهدیدکننده یا فرصت‌ساز گردد.

پیروزی باراک اوپاما در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا مانند سایر پدیده‌هایی که جمهوری اسلامی ایران با آن‌ها مواجه می‌شود، حامل فرصت‌ها و تهدیداتی برای ایران است. بهره‌گیری از این فرصت‌ها می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران بسیار سازنده باشد و تخریب آن‌ها ممکن است تهدیدات سخت‌تری را از سوی آمریکای تحت رهبری باراک اوپاما متوجه ایران سازد. این فرصت‌ها و تهدیدات را می‌توان در چارچوب زیر مورد بررسی قرار داد:

۱.۳. بدترین یا پرتنش‌ترین دوره روابط ایران و آمریکا مربوط به دوره ریاست جمهوری کلینتون-هاشمی است. در این دوره به دلیل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان بحران ناشی از حمله عراق به کویت، تمایل دولت آمریکا به اعمال فشار به ایران بیش از گذشته بود. در این دوره بسیاری از سیاست‌های آمریکا، بخصوص در مبارزه با تروریسم و بویژه در روش‌های نرم مبارزه با تروریسم طراحی شده بود و آمریکا حساسیتی بیش از دوران جنگ سرد نسبت به این پدیده‌ها از خود نشان می‌داد. دولت ایران که به تغییرات حساس پس از جنگ سرد کمتر توجه کرده بود و حتی تصور می‌کرد با فروپاشی اتحاد شوروی و همچنین حمله عراق به کویت و علنی شدن ماهیت این رژیم ماجراجو پس از آن، فرصت‌های ماندگاری برای ایران فراهم می‌شود و موقعیت ایران در سطح جهان بهبود پیدا خواهد کرد. ناگهان با شرایط بسیار خطرناکی مواجه شد. در چنین وضعیتی آمریکا سخت‌ترین تحریم‌ها علیه ایران را در کنگره این کشور به تصویب رساند و حوزه تحریم ایران را برای اولین بار از صنایع نظامی و شرکت‌های آمریکایی دارای تکنولوژی‌های برتر، به صنایع نفتی و تمامی شرکت‌های آمریکایی و شرکت‌های غیرآمریکایی طرف معامله آمریکا در سطح جهان گسترش داد. این تحریم‌ها سخت‌ترین و رسمی‌ترین تحریم‌ها علیه ایران از سوی آمریکا

بود که برای اولین بار، سازماندهی یک تحریم جهانی علیه ایران را شکل داد. در این دوره سخت‌ترین تهدیدها پس از انقلاب اسلامی از سوی آمریکا اعمال شد و این ابرقدرت به شکل دهی یک اجماع جهانی برای برخورد با ایران پرداخت.

۲.۳. بهترین یا کم‌تنش‌ترین دوره روابط ایران و آمریکا پس از انقلاب اسلامی، متعلق به دوره ریاست جمهوری خاتمی - کلینتون است. به تعبیر دیگر، بدترین و بهترین دوره روابط ایران و آمریکا متعلق به دوره ریاست جمهوری یک رییس‌جمهور دموکرات در آمریکاست. تغییر لحن و روش سیاست خارجی در دولت خاتمی، نه تنها پرتنش‌ترین دوره روابط ایران و آمریکا را به کم‌تنش‌ترین دوره بدل کرد، بلکه سیاست‌های اعمال شده توسط دولت کلینتون علیه ایران را خنثی نمود و امکان اجماع جهانی علیه ایران را به کلی منتفی ساخت. دولت آمریکا در مقابل سیاست خارجی مبدعانه و اعتدال‌ساز ایران در سطح بین‌المللی به شدت منفعل شد و بیل کلینتون، رییس‌جمهور آمریکا که به دنبال کاهش تنش با کشورهایی مانند چین بود و عملاً تنش‌های آمریکا و چین را بسیار کاهش داد، برای کاهش زمینه‌های تنش میان ایران و آمریکا نیز دست به اقداماتی زد. اظهارات خاتم‌البرایسته وزیر خارجه آمریکا مبنی بر نقد عملکرد دولت آمریکا علیه دولت دکتر مصدق، ادای احترام ضمنی رییس‌جمهور آمریکا به رییس‌جمهور ایران هنگام سخنرانی وی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و سعی وی برای برقراری تماس شخصی با رییس‌جمهور ایران، اعلام فهرست زمینه‌های مشترک همکاری میان ایران و آمریکا، از جمله افغانستان، عراق، مبارزه با مواد مخدر، کمک به حل بحران قره‌باغ، امنیت انرژی و مسائل دیگری از این دست و لغو سمبلیک برخی از تحریم‌های رسمی آمریکا علیه ایران، همه زمینه‌هایی بود که برای اولین بار پس از انقلاب اسلامی از سوی دولت دموکرات آمریکا برای کاهش تنش میان دو کشور فراهم شد و احتمال تعامل با عزت و از موضعی برابر را میان دو کشور تقویت کرد.

۳.۳. شرایط برخورد رادیکال با ایران از سوی هر دولتی در آمریکا پیش از هر زمان دیگر فراهم شده است:

- علاوه بر تحریم‌هایی که دولت دموکرات آمریکا برای اولین بار، دوازده سال قبل علیه ایران اعمال کرد، امروز ایران در معرض اجرای بیشتر تحریم‌های جهانی علیه خود پس از انقلاب قرار گرفته است.
- ارجاع پرونده هسته‌ای ایران با اجماع همه کشورهای موثر جهان به شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان متهم نقض صلح جهانی، موقعیت ایران را به صورت نهادینه در سطح بین‌المللی آسیب‌پذیر و خطرناک ساخته است.
- با تصویب قطعنامه‌های پی در پی از سوی شورای

امنیت سازمان ملل و سرپیچی ایران از اجرای آن‌ها، فشارهای تحریمی علیه ایران گسترده‌تر و حلقه‌های فشار بر ایران تنگ‌تر می‌شود.

• اجماع جهانی علیه اظهارات رییس‌جمهور ایران درباره هولوکاست موقعیت ایران را برای نقش آفرینی در سازمان‌های بین‌المللی حتی خارج از شورای امنیت سازمان ملل نیز تضعیف کرده است.

• بین‌المللی شدن اتهامات علیه ایران در رابطه با همکاری با تروریسم و از جمله گروه‌های بن‌دنامی چون طالبان، موقعیت مقتدرانه ایران را در این خصوص نیز تضعیف کرده است.

• با فاصله گرفتن جامعه جهانی از ایران، موقعیت ایران در میان کشورهای منطقه نیز بسیار ضعیف‌تر از ۴ سال پیش شده و رفتار ناشایست کشورهای منطقه علیه ایران افزایش یافته است. اگر اوپاما برنامه‌های اعلام شده حمایتی خود نسبت به کشورهای در حال توسعه در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین را عملی کند، ایران باز هم موقعیت سخت‌تری، حتی در میان کشورهای منطقه و غیر متعهد پیدا خواهد کرد.

همه موارد فوق نشان می‌دهند دولت اوپاما در صورت تمایل برای ادامه سیاست‌های کلینتون در سال ۱۳۷۵ نه تنها هیچ مشکلی ندارد بلکه از حمایت حزب رقیب و جامعه جهانی نیز برخوردار است.

۴.۲. متقابلاً مشکلات مهم آمریکا در عراق، افغانستان و مبارزه با طالبان و القاعده نیاز این کشور به همکاری با ایران در منطقه را تلاوم بخشیده است. این مشکلات تمایل دولت آمریکا را صرف‌نظر از گرایش‌هایش برای جلب همکاری ایران در این زمینه‌ها افزایش می‌دهد. وضعیتی که در دوره ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد نیز برای ایران فرصت‌ساز بود و این دولت به آن توجهی نکرد، اما می‌تواند برای دولت آینده ایران نیز فرصت‌ساز باشد.

۵.۳. باراک اوپاما با شعار تغییر در سیاست‌های آمریکا به طور اصولی خود را برای تغییر در سیاست خارجی این کشور متعهد کرد و با اعلام آمادگی برای مذاکره بدون پیش شرط با ایران، چشم‌انداز تمایل به انجام اقداماتی مشابه اقدامات کلینتون را برای کاهش تنش با ایران نشان داد. این وضعیت حاکی از آن است که اگر ایران با سیاست خارجی ماجراجویانه‌اش دولت دموکرات آمریکا را به سمت برخورد افراطی با ایران، به عنوان تنها دشمن سمبلیک خود در سطح بین‌المللی سوق ندهد و به سیاست خارجی خردمنانه و اعتدال‌ساز بین‌المللی بازگردد، دولت اوپاما لاجرم به سمت ایجاد زمینه‌های بیشتر برای کاهش تنش میان دو کشور گام بر خواهد داشت.

۶.۳. باراک اوپاما به علت تعلقش به جامعه اقلیت آفریقایی‌تبار آمریکا و تعلقش به خانواده‌ای مسلمان، فرصت بی‌نظیر و بسیار مهمی برای بازسازی چهره

آمریکا در جهان اسلام و در جهان در حال توسعه در اختیار حاکمیت آمریکا قرار داده است. بی‌شک سیاست‌های اوپاما هر شباهتی که با سیاست‌های دیگر دولت‌های آمریکا داشته باشد، در جهت بهره‌برداری از این فرصت برای بازسازی چهره آمریکا در جهان اسلام نیز خواهد بود و همه قدرتمندان آمریکا صرف‌نظر از گرایش‌های سیاسی و حزبی، استفاده از این فرصت ملی را تأیید خواهند کرد. با چنین نگاهی، دولت اوپاما تلاش خواهد کرد فاصله دولت آمریکا از مردمان مسلمان و رنگین پوست جهان را کاهش دهد. دولت آمریکا به طور اصولی پذیرفته که بزرگ‌ترین خطر برای آمریکا، تروریسم ریشه گرفته از کشورهای اسلامی است و با شمار مبارزه ریشه‌ای با تروریسم به کاهش نفرت مردم در جهان اسلام نسبت به آمریکا توجه ویژه خواهد نمود. چنین چارچوب و برنامه‌ای در سیاست خارجی دولت اوپاما، طبعاً می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران نیز فرصت‌ساز باشد، زیرا مواجهه قهرآمیز با ایران به طور اصولی در دستور کار این دولت نبوده بلکه خواهان حل ریشه‌ای مشکلات با ایران خواهد بود. متقابلاً در صورتی که دولت ایران سیاست خارجی خود را اصلاح نکند، دولت اوپاما حتی اگر تمایل هم نداشته باشد، برای توجیه سیاست خود، چاره‌ای جز تفکیک ایران از سایر کشورها در جهان اسلام و تبدیل کردن ایران به مظهر دشمن خارجی آمریکا نخواهد داشت. در این صورت دولت اوپاما در مسیر کاهش حساسیت‌ها در جهان اسلام سیاست‌های خود علیه ایران را تشدید می‌کند و تلاش خواهد کرد سایر کشورها نیز حساب ایران را از سایر کشورها جدا کنند.

با توجه به شرایط یاد شده و همان گونه که اقتضای شرایط پیش از پیروزی اوپاما پیش‌بینی کرده‌اند، تلاوم سیاست خارجی کنونی ایران در دوره ریاست جمهوری باراک اوپاما، می‌تواند برای کشور بسیار خطرناک و حتی خطرناک‌تر از دوره دولت جمهوری خواه نوحافظه‌کار بوش باشد. اما در عین حال، شرایط موجود نشان می‌دهد سیاست خارجی خردمنانه و اعتدال‌ساز ایران، با توجه به ویژگی‌های سیاست خارجی دولت باراک اوپاما، می‌تواند بهترین شرایط را برای ایران پس از انقلاب اسلامی فراهم آورد و به منظور کاهش تنش با آمریکا از موضعی با عزت و مقتدرانه، موقعیت برتری برای ایران فراهم آورد؛ شرایطی که نه تنها بار دیگر کم‌تنش‌ترین دوره روابط ایران و آمریکا را رقم خواهد زد بلکه موقعیت بی‌نظیری برای نقش آفرینی ایران در مدیریت جهانی را نیز شکل خواهد داد. چنین شرایطی می‌تواند با پیروزی آقای خاتمی در انتخابات آینده محقق شود.

* معاون وزیر خارجه دولت اصلاحات و عضو هیات علمی دانشگاه